

تهدید از کدام طرف است: ایران یا اسرائیل؟

این مقاله در الجزیره انگلیسی 22 اکتبر منتشر شده است

محمود احمدی نژاد در مدت 8 سال ریاست جمهوری با بیان سخنان غیرانسانی، احمقانه و دن کیشوت وار درباره موجودیت اسرائیل و نفی فاجعه هولناک هولوکاست، تماماً در خدمت تندورهایی چون نتانیاهاو بود. نتانیاهاو که بازنده انتخابات ایران شد، حسن روحانی را گرگی در لباس میش خواند و گفت که روحانی "خنده می کند و بمب اتمی می سازد". در مقاله "[شاخه زیتون ایران](#)"، براساس اسناد دولت آمریکا کاذب بودن مدعای نتانیاهاو را نشان داده ایم. اما تا حدی که من می فهمم، مسأله از سوی اسرائیل نادرست مطرح شده است. واقعیت یا مسأله ی اصلی این است که دولت اسرائیل چند دهه است که: "صدها بمب اتمی ساخته و می سازد و دائماً ایران را تهدید به بمباران می کند".

واقعیت این است که نتانیاهاو و دولت او دروغ می گویند و مدعیات آنها در مورد مسأله نادرست است. حقیقت این است که اسرائیل دارای یک زراد خانه بزرگ هسته ای است، و دائماً ایران را تهدید می کند. واقعیت این است که نتانیاهاو سعی می کند که با مطرح کردن دائم "خطر" ایران، مسائل مهم دیگر را- از جمله اشغال سرزمین های فلسطینی ها و ندادن حق شهروندی به مردم فلسطین- به فراموشی بسپارد. واقعیتی که در اثر این تأکید زیاد بر "خطر" ایران کمتر به آن توجه شده این است که اسرائیل دارای صدها کلاهک هسته ای بوده که با آنها ایران را دائماً تهدید می کند.

بمب اتمی ای که اسرائیل برای ایران ساخت

بمب اتمی ایران ساخته تبلیغات اسرائیل است. نتانیاهاو و شیمون پرز از سال 1992 تاکنون دائماً این مدعا را تکرار کرده اند که ظرف چند سال آینده بمب اتمی ایران ساخته خواهد شد. به عنوان مثال به دو نمونه زیر [بنگرید](#):

1992: بنیامین نتانیاهاو عضو پارلمان اسرائیل پیش بینی می کند که ایران 3 تا 5 سال با بمب هسته ای فاصله دارد.

1992: شیمون پرز وزیر خارجه اسرائیل به تلویزیون فرانسه می گوید ایران تا سال 1999 به کلاهک هسته ای دست خواهد یافت.

با گذشت 21 سال از آن مدعیات، نتانیاهاو مدعای خود را به این تقلیل داده که اگر ایران به 250 کیلوگرم اورانیوم غنی شده دست یابد، تأسیسات هسته ای ایران را بمباران خواهد کرد.

این در حالی است که اسرائیل دارای 300-200 [بمب اتمی](#) بوده و عضو NPT [نیست](#). شیمون پرز پدر اتمی سازی اسرائیل است که با همکاری فرانسه کشورش را [هسته ای ساخت](#) و مطابق اسنادی که اخیراً [فارن پالیسی](#) منتشر کرد، حدود 50 سال پیش کاملاً مخفیانه با کمک آرژانتین هزاران کیلو "کیک زرد"

تهیه کرد. اسرائیل همچنان و بدون نظارت آژانس بین المللی انرژی هسته ای در حال ساختن ده ها بمب اتمی دیگر است.

اما ایران عضو NPT و تحت نظارت کامل آن قرار دارد. مطابق NPT کشورهای عضو از حق غنی سازی اورانیوم به منظور استفاده صلح آمیز برخوردارند.

ترغیب آمریکا به حمله نظامی به ایران

حداقل در طول 10 سال گذشته اسرائیل کوشیده است تا آمریکا را وادار به حمله نظامی به ایران کند. آریل شارون در 5 نوامبر 2003 در مصاحبه ی با [تایمز لندن](#) که جنجال آفرین بود، کوشید تا دولت آمریکا را به حمله ی نظامی به ایران وادار سازد. در این مصاحبه ایران را "مرکز ترور جهانی" قلمداد کرد که به دنبال سلاح های هسته ای است. سپس فرمان را صادر کرد که دولت بوش می بایست در "فردای پس از" تجاوز به عراق و اشغال آن کشور، با خشونت با ایران رویارو می شد.

در آوریل 2003، [سفیر اسرائیل در آمریکا گفت](#) که اینک نوبت تغییر رژیم در ایران فرا رسیده است. با سرنگونی صدام کار آمریکا پایان نیافته است، بلکه این دولت: "باید به کار خود ادامه می داد. ما هنوز با خطرات بزرگی با همان اهمیت از جانب سوریه و از جانب ایران روبه رو هستیم".

تهدید دائمی حمله نظامی به ایران

دیگر دولتمردان اسرائیل نیز در همین سال بارها از حمله یکجانبه به تأسیسات هسته ای ایران سخن گفتند. شائول موفاز- وزیر دفاع اسرائیل- [گفت](#) که "تحت هیچ شرایطی اسرائیل سلاح هسته ای در ایران را تحمل نخواهد کرد".

سیمون هرش در ژانویه 2005 [گزارش داد](#) که پنتاگون به رهبری دوگلاس فایت- معاون دونالد رامسفلد- با اسرائیلی ها در حال طراحی نقشه ی جامعه ای برای حمله به تأسیسات هسته ای و شیمیایی ایران هستند.

آریل شارون- نخست وزیر وقت اسرائیل- در آوریل 2005 [گفت](#): "اسرائیل، و نه فقط اسرائیل، سلاح هسته ای در ایران را تحمل نخواهد کرد. ما توانایی آن را داریم که با این مساله مواجه بشویم، و در حال تدارک برای چنین شرایطی هستیم". همچنین گزارش شد که شارون به نیروهای مسلح اسرائیل دستور داده که برای حمله به تأسیسات هسته ای ایران در ماه مارس 2006 آماده شوند.

در همان ماه وقتی از ژنرال دن هلوتز- فرمانده نیروهای مسلح اسرائیل- پرسیده شد، اسرائیل چه مسافتی را حاضر است در جنگ با ایران طی کند؟ پاسخ [گفت](#): "دو هزار کیلومتر"، یعنی تا تهران.

سیمون پرز- معاون وقت نخست وزیر- در ماه مه 2006، در پاسخ یکی از سخنان نابخردانه احمدی نژاد، [گفت](#): "ایران باید بخاطر داشته باشد که این کشور را هم می شود از نقشه جهان حذف کرد". این سخن

معنایی جز بمباران اتمی ایران نداشت. سپس ژنرال هلوتز [گفت](#): تأسیسات هسته‌ای ایران را می‌شود نابود کرد.

اسرائیل در جولای 2008 یک [مانور وسیع نظامی- هوایی](#) انجام داد که مقامات آمریکایی آن را آمادگی اسرائیل برای حمله به ایران، و اعلام هشدار به آمریکا، اروپا و ایران به شمار آوردند.

به گزارش [نیو یورک تایمز ژانویه 2009](#)، اهود المرت- نخست وزیر وقت اسرائیل- از پرزیدنت بوش در سال 2008 تقاضای کمک - به خصوص دریافت بمب هائی که بتواند تأسیسات زیر زمینی را ویران کند- برای حمله به ایران را می‌کند.

ایهود باراک- وزیر دفاع وقت اسرائیل- در جولای 2009 در یک کنفرانس مطبوعاتی به همراه رابرت گیتس- وزیر دفاع آمریکا- می‌گوید: حمله به تأسیسات هسته‌ای یک انتخاب برای حل مساله است. سپس [می‌افزاید](#): "ما باور داریم که هیچ انتخابی نباید روی میز نباشد. این سیاست ما است و ما درباره آن جدی هستیم". در واقع گوشزد می‌کرد که همین سیاست می‌بایست سیاست آمریکا هم باشد.

نتانیاها و باراک قصد داشتند تا در سال 2010 ایران را [بمباران کنند](#)، اما مخالفان داخلی- خصوصاً در نیروهای مسلح و اطلاعاتی- مانع تجاوز آنان [گردیدند](#).

نتانیاها در [نوامبر 2012](#) مجدداً ایران را تهدید به حمله نظامی- حتی بدون همراهی آمریکا- کرد.

موشه یعلمون- وزیر دفاع اسرائیل- در 19 ژوئن 2013 [گفت](#) که دولت های غربی "باید ایران را به زور وادار کنند که یا بقا خود را انتخاب کند و یا بمب اتمی را".

ایهود باراک- نخست وزیر و وزیر دفاع سابق اسرائیل- در مصاحبه با فرید زکریا در [CNN](#) به پرسش زکریا درباره تهدید دائمی بمباران ایران پاسخ گفت و این سیاست واحد را مورد تأیید مجدد قرار داد. او عملکرد حسن روحانی در دوران 2005-2003 را معلول ترس از تهاجم نظامی آمریکا به ایران- پس از حمله به افغانستان و عراق- قلمداد کرد و از این مقدمه نتیجه گرفت که تنها تهدید به استفاده به زور در رابطه با ایران پاسخگوست: "باید به ایرانی ها در پشت درهای بسته یا به آشکار فهمانده شود که گزینه نظامی جدی است و اگر آنها بخواهند از خط قرمز رد شوند ، با گزینه نظامی جلوی این اقدام گرفته می‌شود".

بعد هم می‌افزاید که اگر ایران از خط قرمز اسرائیل- یعنی 250 کیلوگرم اورانیوم غنی شده 20 درصدی- عبور کند، ما کار خودمان را انجام خواهیم داد: "وقتی ما می‌گوییم مصمم به جلوگیری از اتمی شدن ایران هستیم ،می‌دانیم چه می‌گوییم".

خطر ایران برای اسرائیل؟

اما واقعیت این است که هیچ خطری از سوی ایران اسرائیل را تهدید نمی‌کند. چرا؟

الف- مطابق قراردادی که میان دولت اسرائیل و دولت آمریکا امضا گردیده و به قانون تبدیل شده است، دولت آمریکا متعهد گردیده که برتری نظامی کیفی اسرائیل بر کل منطقه ی خاورمیانه را همیشه تضمین کند. دولت آمریکا به تعهد خود عمل کرده و اسرائیل دارای برتری نظامی بر کل کشورهای منطقه است.

ب- ایران حتی اگر بخواهد، فاقد توانایی صدمه وارد آوردن بر اسرائیل است. به گزارش اورشلیم پست 28 اپریل 2013 از جلسه ی این روزنامه در نیویورک، ایهود المرت- نخست وزیر پیشین اسرائیل- به مدعیات کاذب نتانیاهو درباره پرونده هسته ای ایران پرداخت و گفت:

"من فکر می کنم که ما سال هاست که ظرفیت ایران برای اتمی شدن را بزرگ نمایی کرده ایم. ایران به این قدرت دست نیافته است. این امر نه تنها به دلیل شکست های خودشان است، بلکه شاید کسی در این شکست یاری شان کرده است".

آنتونی کوردزمن در گزارشی که از سوی مرکز مطالعات راهبردی واشینگتن CSIS انتشار یافته و روزنامه تایمز اسرائیل در 26 آپریل 2013 آن را منتشر کرده اند، می نویسد: این اسرائیل نیست که از سوی جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید است. اتفاقا این ایران است که از ناحیه موشک های پرقدرت و بمب های هیدروژنی که در دست اسرائیل است، مورد "خطر حیاتی" قرار دارد و اسرائیل به توانی رسیده که می تواند با حمله به شهرهای پرجمعیت ایران باعث نابودی حتی میلیون ها انسان "و انقراض بخش بزرگی از کشور ایران" شود. اسرائیل برای آماده سازی زمینه دورانی که ایرانء هسته ای می شود، برد موشک های خود را بلندتر کرده و آنها پرقدرت تر ساخته و بدین ترتیب مراکز مهم جمعیتی شهرهای بزرگ ایران از ناحیه این موشک های اسرائیلی در معرض تهدید واقعی هستند. تنها سخن از موشک های دورپرواز نیست، که این موشک ها به کلاhek های اتمی هیدروژنی که پرقدرت تر از کلاhek های تا کنون شناخته شده اتمی هستند، مجهز هستند. بمب های هیدروژنی اسرائیل هر یک تا صد برابر بمب های اتمی که تا کنون جهان شناخته است، قدرت دارد.

پ- دولت اسرائیل از طریق فشار لابی خود، مصوبه ای را در سنای آمریکا با رأی مثبت 99 تن از 100 به تصویب رساند که در صورت حمله ی اسرائیل به ایران دولت آمریکا نیز باید به کمک آن کشور بشتابد:

"تأکید می ورزد که اگر دولت اسرائیل ناگزیر شود در مقام دفاع مشروع از خود در مقابله ی با برنامه ی تسلیحات هسته ای ایران دست به اقدام نظامی بزند، دولت ایالات متحده در کنار اسرائیل خواهد ایستاد و مطابق قوانین ایالات متحده و مسئولیت کنگره که برآمده از قانون اساسی است اجازه استفاده از قوای نظامی، و حمایت های دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی برای دولت اسرائیل را در دفاع از سرزمین، مردم و حق وجود خود فراهم خواهد ساخت".

با توجه به این شواهد، ایرانی که در 150 گذشته به هیچ کشوری حمله نکرده- برخلاف اسرائیل- هیچ خطری برای اسرائیل به شمار نمی رود. با این همه، ژنرال های اسرائیلی از نرم شدن موضع آمریکا برای حمله اسرائیل به ایران سخن می گویند.

ژنرال ذخیره عاموس یادلین- رییس قبلی سازمان اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل و رئیس فعلی مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل- دائماً این سخن را تکرار کرده و در [نیویورک تایمز](#) 10 آگوست 2013 نوشته که ایران نه تنها باید غنی سازی اورانیوم با غنای 20 درصد را متوقف ساز، بلکه باید راکتور آب سنگین اتمی اراک را نیز مهر و موم کند، چرا که ایران از طریق غنی سازی اورانیوم و تولید پلوتونیوم به دنبال ساخت بمب اتمی است.

یدالین 10 روز قبل از آن به رادیوی ارتش اسرائیل گفته بود: سیاست اوپاما در مورد حمله نظامی یک‌جانبه اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، به سود اسرائیل "تغییر" کرده است. در سال 2012 حمله اسرائیل به ایران خط قرمز آمریکا بود، اما "این لحنی که من به تازگی از واشینگتن می‌شنوم، می‌گوید اگر شما می‌خواهید حمله کنید آمریکا به ارزیابی اطلاعاتی شما اعتماد دارد". چراغ آمریکا هنوز کاملاً "سبز" نشده، ولی می‌توان آن را "چراغ زرد" به شمار آورد.

دانیل گرینفیلد در "فرانت پیج" در 10 اوت، با استناد به سخنان یدالین در رادیوی ارتش اسرائیل، از نوعی معامله پنهانی میان آمریکا و اسرائیل سخن گفته بود. بر این مبنا، در صورت بازگشت اسرائیل به مذاکرات صلح با فلسطینی‌ها، آمریکا همچون گذشته با حمله احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران مخالفت نخواهد کرد.

جان بولتون- نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل- در 29 جولای 2013 [گفته است](#) که هدف نتانیاهو از آزادی 104 زندانی فلسطینی و مذاکرات صلح بی نتیجه این است که به اوپاما بگوید من کارهایی که تو در این زمینه از من خواستی انجام دادم، اینک من نیازمند تو هستم که در مسأله‌ی ایران تو در کنار من [برای حمله‌ی به ایران] باشی.

پنهان سازی آپارتاید در پنهان ایران هراسی

بدین ترتیب، واقعیت‌ها به قرار زیر است:

الف- اسرائیل دارای صدها بمب اتمی بوده و ایران را مجاز به غنی سازی اورانیوم تحت کنترل آژانس و در چارچوب NPT نمی‌داند. ژنرال بنی گنز- رئیس ستاد ارتش اسرائیل- [گفته است](#) که به عقیده او ایران سلاح هسته‌ای نمی‌سازد، چرا که رهبران ایران انسان‌های منطقی هستند.

ب- اگر چه مقامات ایران نابخردانه و دن کیشوت وار از نابودی اسرائیل سخن گفته اند، اما طرح خامنه‌ای برای نابودی اسرائیل، برگزاری رفراندوم با شرکت کلیه فلسطینیان ساکن و آواره و یهودیان است. به گفته او، بدین ترتیب چون فلسطینیان دارای اکثریت هستند، مانند افریقای جنوبی قدرت را به دست خواهند گرفت. اما تهدیدهای اسرائیل، تهدید به بمباران ایران- حداقل تأسیسات هسته‌ای ایران- است.

پ- دولت اسرائیل با دامن زدن به "ایران هراسی" و تهدید دائمی به بمباران ایران توانسته است تحریم‌های اقتصادی فلج کننده‌ای را علیه ایران به تصویب برساند. با این همه، آویگدور لیبرمن- وزیر امور

خارجہ وقت اسرائیل- گفته بود: بهترین اقدامی که می تواند جمهوری اسلامی ایران را وادار کند که به طور جدی بنشیند و به حرف گوش بدهد برقراری یک رشته "تحریم های فلج کننده" است. وی افزود که منظور از "تحریم های فلج کننده"، تحریم هایی است که بانک مرکزی و صنایع نفت و گاز ایران را هدف قرار دهد. موشه یعلون- وزیر امور استراتژیک اسرائیل- در اول دسامبر گفت: "می توان اقتصاد ایران را فلج کرد". او سپس می افزاید: اگر رژیم ایران خود را در بن بست اقتصادی بیابد، مجبور می شود میان تداوم برنامه هسته ای خود یا بقا یک راه را در پیش بگیرد. همه اینها انجام شده و از این مراحل هم عبور کرده اند.

آخرین مرحله تلاش بیست ساله نتانیاهو برای قلمداد کردن ایران به عنوان یک خطر عمده جهانی، در نطق او در مجمع عمومی سازمان ملل در ۱ اکتبر به نمایش درآمد. او فقط ۲۱۴ کلمه، کمتر از ۷ درصد کل نطق خود، را به موضوع اصلی، یعنی کشمکش بین اسرائیل و فلسطینیان اختصاص داد، و در همان ۲۱۴ کلمه دو شرط برای صلح با فلسطینیان اعلام کرد: اولاً، آنها باید اسرائیل را به عنوان یک کشور یهودی به رسمیت بشناسند، که معنی آن این است که ۲۵ درصد جمعیت اسرائیل که اعراب فلسطینی هستند شهروند درجه دوم خواهند بود، و ثانیاً کشور فلسطینی باید غیر مسلح باشد. نتانیاهو هیچ چیزی در مورد شهرک های غیر قانونی، مرز اسرائیل با کشور فلسطین، و آواره ها و پناهندگان فلسطینی نگفت.

تمامی نطق نتانیاهو به این اختصاص یافت که مسائل را به صورت یک داستان چهار هزار ساله عرضه کند و آن را به جنگ های میان پادشاهان، پیامبران، امپراطوری های عهد باستان، و فاجعه های تاریخی متصل کند. بالا بردن سطح مساله ای که در مورد آب، زمین، و دیگر منابع می باشد، به سطح خداوند و پیامبران بهترین راه برای تبدیل یک مساله ۴۶ ساله اشغال سرزمین ها و مجازات جمعی مردم فلسطین به یک افسانه است، که در عین حال، یافتن یک راه حل برای آن را غیر ممکن می سازد. رویکرد اسرائیل برای بزرگ کردن خطر غیر واقعی ایران ناشی از این امر است.

ت- نتانیاهو در نطق اخیر خود در مجمع عمومی سازمان ملل مجدداً ایران را تهدید به حمله نظامی یک جانبه کرد. او در سخنرانی ها و مصاحبه های خود در نیویورک بارها اعلام کرد که ایران به دنبال نابودی اسرائیل از طریق بازتولید هولوکاستی دیگر است. برای این که تجاوز نظامی به ایران را به اصطلاح توجیه کند، دائماً رژیم ایران را همانند رژیم نازی ها قلمداد می کند (برای نمونه به لینک های 1 و 2 و 3 و 4 و 5 و 6 و 7 بنگرید). دروغ دیگر او این بود که گفت: "من فکر می کنم اگر مردم ایران آزاد بودند، شلوار جین می پوشیدند، به موسیقی غربی گوش می دادند". در صورتی که لباس ها و موسیقی های غربی در میان نسل جوان ایران بسیار گسترده است. اهریمنی ساختن ایران توسط او، مهمترین رکن آماده کردن فضای عمومی بمباران ایران است.

وقتی مردم ایران دائماً در ترس و نگرانی حمله نظامی اسرائیل به ایران به سر برند، چه حالی خواهند داشت؟ حتی اگر بمباران ایران محدود به تأسیسات هسته ای باشد، تلفات انسانی ناشی از تشعشعات هسته ای چقدر خواهد بود؟ بر اساس پژوهش عبدالله توکان و آنتونی کردزمن که مهمترین مطالعه تبعات حمله ی نظامی اسرائیل به ایران است، حمله ی به مراکز اتمی ایران از قبیل نیروگاه بوشهر می تواند تا "صدها

هزار" کشته و هزاران بیمار سرطانی بر جای گذارد. حمله به مراکز غنی سازی ایران هم همان نوع عناصر رادیو اکتیو را در فضا و منابع آب و غذای انسان و دام رها می کند که حمله به یک نیروگاه هسته ای. بر [اساس مطالعه دن پلش \(مدیر مرکز مطالعات بین المللی و دیپلوماسی در دانشگاه SOAS \) و مارتین بوچ](#) حمله با سلاح های اتمی تاکتیکی به یازده مرکز تاسیسات هسته ای و شیمیایی و بیولوژیکی ایران بیش از 2 میلیون نفر کشته بر جای خواهد گذاشت.

در عین حال روشن است که جمهوری اسلامی به حمله اسرائیل واکنش نشان خواهد داد و جنگ نه تنها گسترش خواهد یافت بلکه پای دیگران را هم به آن باز خواهد کرد.

از خود می پرسم: چرا نیروهای افراطی ایران و اسرائیل به دشمن هولناک طرف مقابل نیاز دارند؟ برای این که مسائل واقعی منطقه و جامعه خود را در پناه این دشمن مخفی سازند. منطقه به صلح و دموکراسی و حقوق بشر نیازمند است، نه بی ثباتی، جنگ، دشمنی، نابرابری و معیارهای دوگانه. بدون امنیت و صلح، دموکراسی و حقوق بشر به حاشیه رانده خواهد شد.

منبع: رادیو زمانه، 1392/8/2